

چله

نوشته: حسینی حسنیار شغنائی

منتريال- كانادا

۲۰ دسمبر ۲۰۱۸



چله زایش مهر، زایش نخستین یکتاپرست و یزدان شناس، پیام آور روشنائی، مبشر پیروزی روشنائی بر تاریکی، نخستین داعی پندار نیک، گفتار و کردار نیک را بر عموم دوستان و همدیاران خویش شادباش عرض میدارم .

چله مطابق گاه شماری مردم پامیر در طول سال دو بار یعنی تابستان و زمستان واقع میگردد. چله نوع از گاه شماری عامه یا سنتی است که با هیچ یک از گاه شماریهای رایج چه در زمان باستان و چه بعد از آن مطابقت ندارد، در یک کلام منحصر به فرد است. این نوع از گاه شماری منحصر به فرد ریشه در تاریخ باستان، نخستین اقوام آریایی دارد که هنوز در دره های پامیر مشغول شبانی بودند. چله تابستان و زمستان دلالت بر آن میکند که نیاکان شبان ما سال را به دو بخش گرما و سرما تقسیم کرده اند. اینگونه تقسیم بندی میرساند که هنوز از تقسیم بندی سال به دوازده ماه خبری نبوده است. فقط همین دو فصل از سال برایشان حایز اهمیت بوده و بس. اینکه چرا چله زمستان بیشتر از چله تابستان در بین مردم بازتاب یافته است و از آن طی مراسم خاص تجلیل مینمایند، دلالت بر طولانی بودن سرما شدید است که از یادها نرفته است .

چله در فرهنگ مردم پامیر چهل روز است که از اول جدی (دی ماه) شروع میشود و تا دهم دلو (بهمن) ادامه دارد. گاهی از آن بنام های چله بزرگ و چله خورد نیز یاد میکنند. در میان این دو چله دو ایوم (جشن) مرسوم میباشد، یکی خیر پچار و دیگری خیرچزون .

در آخر ماه جدی یعنی پایان چله بزرگ که آفتاب به چارخانه (روزن) میرسد، جشن خیرپچار را برپا میدارند. درین مراسم در نخستین صبح پایان چله بزرگ غذای مخصوص بنام کچی پخته میکنند. بعد از

آن که کاجی پخته شد یک زره از آن را گرفته بر روی ستون سمت راست در ورودی خانه می مالند. این سنت به معنای قربانی کردن برای خورشید است.

فرهنگ یا برپاداشتن جشن خیرپچار فقط در بین اقوام پامیری نه بلکه در فلات ایران نیز زمانی رایج بوده و اکنون به دست فراموشی سپرده شده است. در فرهنگ معین در زیر چارچار یا چهارچهار آمده است: چهار چهار: روز آخر چله بزرگ و چهار روز اول چله کوچک در زمستان که سردترین روزهای سال است.

در آخر چله خورد یعنی دهم دلو که پایان چهل روز چله است؛ جشن خیرجزون می آید. خیرجزون نیز منحیث یک جشن دارای مراسم خاص میباشد. درین جشن که جشن پایان سرما است در خانه یک نوع غذایی را پخته میکنند که بنام باج (حلیم) یاد میکنند. گندم کوبیده را در درون کوزه همراه با گوشت (کله، پاچه و شکمبه) شب در تنور پر از آتش میگذارند تا پخته شود. فردای نخستین روز پایان چله خورد قبل از برآمدن خورشید آن را صرف میکنند. بعداز خوردن باج با شکم سیر باید طلوع نخستین خورشید را بعد از چهل روز سکوت نظاره کنند. رسم دیگر نیز درین روز به اجرا گذاشته میشود که درین اواخر به دست فراموشی سپرده شده است، و آن را بنام گرم (داغ) کردن خورشید (خیر ثوداو) یاد میکنند. یک چوب باریک را میگیرند در تنور زده روشن میکنند و بر نور خورشید که طریق روزن خانه وارد خانه شده میگذارند و میگویند: ای خورشید من ترا گرم میکنم به نیت آنکه تو هم مرا گرم کنی. یا به تعبیر دیگر به خورشید انرژی میدهند به قول امروزی نور خورشید را چارج میکنند. این نیز خود بنام فدییه و جزیه دادن به خورشید است. آتش را که نماد پاکی و منبع گرمی است به خورشید تحفه میکنند.

به باور مردم در چهل روز چله، آفتاب ساکن است و هیچ حرکت نمیکند. با فرا رسیدن خیرجزون شمارش روزهای سال را آغاز میکنند. شمارش روزها یا تقویم سازی بر اساس گردش خورشید میباشد.

این گاه شماری در بین مردم بخصوص چوپانان و شکارچیان که در زمستان به شکار حیوانات میرفتند از اهمیت خاص برخوردار بود. در چله که سردترین روزها و شب های سال اند مرگ و میر گله ها در بیابان بیشتر میباشد. شکارچیان نیز ترجیح میدهند که در چهل روز چله به شکار نروند، چون خطر سرماخوردگی بیشتر از ایام معمولی میباشد. درباره شبهای سرد چله روایتهای زیاد در بین مردم وجود دارند که در شبهای چله از شدت سرما سنگها در زیر آب یخ میبندند. گوسفند و غرگاو در صحرا از شدت سرما می میرند. همچنان یک روایت دیگر هم رایج است که به شکارچی بر میگردد.

سه برادر علی الرغم مخالفت پدر شکار میروند، بعداز آنکه صید خوب گیرشان می آید شب در کوه می پایند. مادر از پریشانی مانند دانه گندم بر روی تابه بریان است. گاهی فرزندانش را زنده تصور میکند و گاهی خود را در لباس عزا و ماتم می نشاند و هزاران نوع از تفکر و تصور را خیالش می پروراند. پدر که مرد روزگار دیده و با تجربه است تا نیمه شب خیلی پریشان و سرگردان میباشد و بعداز نیمه شب راحت میخوابد. به همسرش هم توصیه میکند که راحت بخوابد خطر گذشت. چون چله کوچک در همین نیمه شب به پایان رسید. سرما کسی را بعداز همین ساعت تهدید نمی کند. خلص کلام فردا سه جوان با صید خود صحت و سالم میرسند. پدر جویای احوال میشود که شب بر آنها چطور گذشت؟ سه جوان در

پاسخ به پدر جواب میدهند که : تا نیمه شب خیلی سرمای سوزان و شدید بود که نتوانستیم بخوابیم. بعداز نیمه شب همه چیز عوض شد. بخواب رفتیم و از شدت سرما هم کاسته شد .

چله یا درازترین شب سال را بنام " یلدا " یعنی تولد یا زایش هم یاد میکنند. مردم از درازترین شب سال تحت نام یلدا تجلیل میکنند ولی شاید کمتر کسی از خود پرسیده باشد که یلدا که به معنای تولد است، شب تولد کیست، کی درین شب تولد یافته است؟

یلدا هر چند واژه عربی است ولی در تقویم سنتی مسلمانان جای ندارد. جای پای یلدا را با سه روز تاخیر در تقویم مسیحیت می بینیم. مسیحیان بر این باور اند که در شب یلدا عیسی مسیح بدنیا آمده است. مسیحیان نیز درین باره اسناد و مدرک قانع کننده در دست ندارند که ثابت کند که عیسی مسیح در ۲۵ دسامبر سه روز بعداز شب یلدا تولد یافته است. رویهمرفته این رسم به یک سنت در بین مسیحیان مبدل شده و در تقویم مسیحی جای دارد. هرچند مسیحیان نیز درین مورد همراه و هم فکر نیستند، آنها نیز برای تولد عیسی مسیح روزهای متفاوت را قایل هستند .

آریاییها قرنهای پیش از تولد مسیح ، شب یلدا (چله) را جشن می گرفته اند. مسیحیان تقریباً چهارصد سال بعد از تولد عیسی مسیح تصمیم گرفتند که یک روز را به عنوان روز میلاد مسیح تعیین کنند. تصمیم ارباب کلیسای روم بر آن شد که روز ۲۵ دسامبر را عنوان روز میلاد مسیح انتخاب کنند. در باره تاریخ تولد مسیح در هیچ کتابی نه قرآن و نه انجیل چهارگانه چیزی نیامده است .

دکتر عبدالحسین زرین کوب در کتاب (قلمرو وجدان از فلسطین تا روم . چاپ ۱۳۶۹ خورشیدی) در صفحه ۱۹۸، می نویسد: " آن گونه که از انجیل متی و انجیل لوقا برمی آید ولادت عیسی باید یک یا دو سال قبل از تاریخ رسمی میلاد رخ داده باشد. تاریخ ولادت او هم از روی قطع معلوم نیست. تاریخ ۲۵ دسامبر را که کلیسای روم در سال ۳۵۴ میلادی برای روز ولادت او تعیین کرده بر وفق اسناد مصادف است با روز ولادت میترا- خدایگان مهر و آفتاب شکست ناپذیر- یا از آن ماخذ بود. بر وفق روایات متی و لوقا وی در بیت لحم نزدیک اورشلیم به دنیا آمد اما در جلیل نزدیک ناصره و شمال فلسطین بزرگ شد و عنوان ناصری و نصارا که منسوب بدان پنداشته می شود از همین جاست." میترا

حال که سخن از مهر و میترا (مپثرا) به میان آمد لازم است کمی در دالان مپثرانیسم گردش کرده بدانیم که مپثرا و مپثرانیسم چیست .

مپثرانیسم یا مهرپرستی یا مهردوستی و یا مقدس شماری خورشید یکی از قدیمی ترین باورهای اقوام آریایی است که آثار آن هنوز هم در بین اقوام پامیری همچنان پابرجا و بگونه نسبی دست نخورده باقی مانده است .

آئین مهر یا مپثرا به معنای روشنایی، خورشید و یا مقدس شمردن خورشید میباشد. مهر پرستی نخستین دین آریایی میباشد. آئین مهر یکی از منتشرترین ادیان در زمان خود بود، که نزدیک همه جهان را فرا گرفت .

در مورد مهر یا مپثرا روایتهای زیادی نقل شده اند. یکی از روایتها یکی که در مورد نقل شده این است که ؛ ایزد مهر یا مپث (روشنایی) در طولانی ترین شب زمستان در غاری در پامیر تولد یافت. آئین مپث

سالهای سال تا ظهور زرتشت دین رسمی اقوام آریایی و دین خانواده رستم و زال بود. ظهور زرتشت سبب شد که مپث از مقام ایزدی به زیر آورده شد و به وی مقام یک فروهر داده شد. تنزل مقام مپث باعث جنگهای شدید و ریختن خونها در میان ایران و توران شد، و یکی از علل نارضایی رستم از گشتاسپ نیز ریشه در باورهای دینی دارد. کشمکش های دینی سبب شد که زیر برادر گشتاسپ همراه چند نفر از بزرگان ایران بدست تورانیان که بر دیانت اجدادی خود بودند، کشته شوند. کشتن اسفندیار به دست رستم نیز از همین جویبار آب میخورد.

مپث در اوستا و در کتیبه‌های پادشاهان هخامنشی مپثره Mithra و در سانسکریت میتره Mitra آمده است، و در پهلوی میتر Mitr شده، و امروز مهر نامیده می‌شود. مهر در حقیقت همان مپث است که با گذشت زمان به مهر مبدل شده است. چنانچه گفته شد مپث یکی از کهن ترین ایزدان آریایی است که در پامیر به دنیا آمده است، و مدتها قبل از ورود آریاییها به فلات ایران امروزی دین رسمی آن دیار بوده است. علامت آئین مپث (صلیب) که نماد خورشید میباشد.

آغاز و ستایش مپث به صفت ایزد سندی در دست نیست. آنچه که میدانیم آریاییها که برای نخستین بار برای دست یابی به منابع بیشتر طبیعی و چراگاهها به سوی فلات ایران و هند پراکنده شدند، آئین خود را نیز بر اقوام بومی تحمیل نمودند. هرودوت مورخ یونانی (۴۹۰ - ۴۲۵ پیش از میلاد) و همچنان گزنفون (۴۳۰ - ۳۴۵ پیش از میلاد) از پرستش مپث در ایران سخن رانده اند.

یک سند ازدواج به شکل سنگ نگاره ای که در ۱۳۵۰ پیش از میلاد حکاکی شده است، در اناتولی ترکیه بدست آمده نشان میدهد که در میان مردمان هیتی و میتانی نیز مپثرا را می پرستیده اند. در واقع این قدیمی ترین سندی است که در غرب زادگاه مهر شاهد پرستش آن میباشد. معلوم است که مپث خدای هیتی و یا میتی نبوده بلکه از راه ایران به آنجا رفته است. بعید نیست که جاده ابریشم در مروج ساختن آئین مپث در هیتی و میتی نقش داشته باشد، تردد بازرگانان سبب رونق این دیانت شده باشد.

در کتاب مقدس هندیان "ودا" از مهر یا میترا (مپث) یاد شده و خواستار ستایش او شده است: "آنکه خود را مهر یا دوست مینامد، مردمان را گرد هم می‌آورد. مهر نگاهبان زمین و آسمان و سرزمین هاست، بی آنکه چشم فرو بندد. برای مهر پیشکش های پُر روغن آورید. ای مهر! آنکه در پرتگاه نیستی است و برای تو خوراک نیروبخش پیشکش می کند، باید برگزیده تر باشد. آنکه ترا، ای پسر آدیتی با یک پیمان میستاند، از سوی تو نگهبانی میشود، او زخم نخواهد خورد... و هیچ گزندی از دور و نزدیک به او نخواهد رسید."

" این مهر نیک منش شایسته ستایش، همچو یک سرور به جهان آمده است، از این دست گیری شایسته نیایش، از این نیک اندیشی سود بخش، می‌خواهیم بهره مند شویم. کمک و همراهی مهر (میترا)، که نگاهبان سرزمین هاست، سود بخش است. فرّ او و نام نیک او پاینده است. مهر که آشنایی اش فرا گستر است، با سروری اش بر آسمان و با نیک نامی اش بر جهان خاکی شهریار است، پنج سرزمین فرمانبردار مهر است، که نیروی او برتر است. او یاور همه خدایان است."

چنانچه در بالا متذکر شدیم که با ظهور زرتشت مپث مقام خود را از دست داد. مپث در جایکه قرار داشت توسط زرتشت به زیر انداخته شد.

مهر پرستی که از طریق آسیای صغیر به روم و از آنجا به دیگر نقاط اروپا و شمال افریقا منتشر شد، بعداز ظهور مسیحیت نیز در مناطق متذکره از جایگاه مناسب برخوردار بود.

ورود مسیحیت به روم و رسمیت یافتن در دربار امپراتور پایه های اعتقادی مهر را متزلزل ساخت. مسیحیت تازه وارد در جای قرار گرفت که قبلا مپثرا در آنجا قرار داشت.

هرچند مپثرا آئین پیش از تاریخ است و کدام سند مکتوب از آن در دست نیست، هرآنچه که تا به امروز رسیده سینه به سینه به گونه شفاهی حفظ شده است. هیچ دینی در جهان نیست که به اندازه مپثرائیسم بر ادیان دیگر تاثیرگذار بوده باشد. هریک از ادیان بنوبه خود از آموزه ها و باورهای مهرپرستی نسخه برداری نموده اند.

پیدایش مپثرا اینگونه روایت شده است که وی بار نخست از درون سنگی جهید و در همانجا مورد پرستش شبانان که شاهد پیدایش او بودند قرار گرفت. حالا این روایت را در همیجا داشته باشیم و برویم به سراغ پیامبران بعد از مهر. تمام آنهایکه ادعای پیامبری میکردند، ادعا میکردند چوپان بوده اند و یا الهام و وحی که برایشان آمده در هنگام شبانی بوده است. دست کم همه شغل چوپانی و یا چیزی شبیه آن را داشته اند.

مهر با خورشید هم آهنگ شد و یک گاو نر را بدام انداخت و به درون غار کشید تا قربانی کند. گاو از دست مپث فرار کرد و گریخت. خورشید که او را پدر مهر نیز میخواند به زاغ فرمان داد تا گاو فراری را بکشد. از درون گاو کشته شده خوشه گندم و شاخه انگور روئید. قربانی در سه دین ابراهیمی رایج است که ریشه در باورهای مهرپرستی دارد.

مهر به آسمان عروج کرد و بار دیگر به زمین برگشت و به مردگان حیات بخشید. خوبی را از بدی جدا کرد و گاوی را قربانی نمود و خون آن را با شیره مقدس (هوم) مخلوط نمود و معجون آن را بدست بزرگان قوم سپرد. هرکس از این مشروب بخورد جاودانه میگردد.

کلیسا این داستان را که در باره مهر روایت شده بود گرفتند و به عیسی مسیح نسبت دادند. عیسی مسیح به آسمان رفت و روزی بر میگردد به مردگان توان روستاخیزی را میدهد و نیکی را از بدی جدا میکند. همین روایت در باره مسیحیت در دیانت زرتشتی و یهودیت و همچنان اسلام نیز روایت میشود.

درجات هفتگانه در مپث پرستی:

مقام خدمتگذاری مهرابه
مقام کریفیوس(کرگس) به معنای تیز بینی و بلند پروازی.
مقام سرباز
منصب شیر

پارسایی
مهرپویا
مقام پدر و یا پیر.

تقدس عدد هفت در مسیحیت و اهل عرفان و اسماعیلیان از آئین مپث برگرفته شده است. مزید بر این در بسیاری از فرهنگها و تمدنهای قدیم و جدید برای عدد هفت بسیاری از فرهنگها و تمدنهای قدیم و جدید، برای عدد هفت احترامی بیش از سایر اعداد قائلند. ایام هفتگانه هفته در نظر بنی اسرائیل، طبقات آسمان و زمین در نظر مردم قدیم بابل، هفت بار زنده شدن انسان در مذهب برهما، هفت قدم همراهی عروس و داماد در هند، هفت فرشته مقرب زرتشتیان، هفت نر و ماده در تورات، هفت روح پلید و هفت گناه کبیره مسیحیت، طبقات هفتگانه آسمان در اسلام، هفت گاو لاغر و هفت گاو فربه در روایت یوسف در قرآن، قراء سبع (هفتگانه)، قرار گرفتن هفت قسمت بدن در سجده نماز مسلمانان بر زمین، هفت وادی سلوک در تصوف، هفت انسان نقش شده در بالای درب آرامگاه داریوش هخامنشی، هفت خوان رستم در شاهنامه، پله‌های هفتگانه آرامگاه کورش کبیر در پاسارگاد همگی از همین نمونه‌اند.

در ادبیات فارسی نیز عدد هفت نقش مهمی دارد. هفت پیکر نظامی و هفت اورنگ جامی از کتب معتبر شعر فارسی هستند.